



بازخوانی اسطوره‌های نگاره‌های کشته‌شدن سیاوش در شاهنامه‌های شاهزادگان تیموری (ابراهیم سلطان، بایسنغری و محمد جوکی)

سارا حنیفی^{۱*}، مهدی محمدی^۲، رضا میرمبین^۳

^۱ دانش آموخته کارشناسی ارشد رشته هنر اسلامی، دانشکده هنر، گروه مطالعات عالی هنر، دانشگاه سوره، تهران.

^۲ استادیار گروه صنایع دستی، دانشکده هنر، دانشگاه سوره، تهران، ایران.

^۳ دکتری فلسفه هنر، مدرس گروه مطالعات عالی هنر، دانشکده هنر، دانشگاه سوره، تهران، ایران.

دریافت مقاله: ۲۰-۰۴-۱۴۰۲، پذیرش نهایی: ۰۷-۱۲-۱۴۰۲

چکیده

سیاوش، محوری‌ترین حلقه زنجیره‌ی اسطوره‌های ایرانی است. اسطوره‌ی سیاوش بنا به دلایل فرهنگی و باورهای ملی همواره مورد توجه بوده، ضرورت پرداختن به ابعاد گوناگون این موضوع و نگاه تحلیلی و تطبیقی در مورد نگاره‌های مبتنی بر آن ضروری است. این پژوهش به مؤلفه‌های وجودی سیاوش و همچنین مفاهیم نمادین نگاره‌های کشته‌شدن سیاوش در شاهنامه‌های شاهزادگان تیموری (ابراهیم سلطان، بایسنغری و محمد جوکی) براساس نظریه اسطوره - آیین (ساموئل هنری هوک) پرداخته است. پرسش بنیادین پژوهش که ویژگی‌های اصلی نگاره‌های شاهنامه‌های شاهزادگان تیموری براساس نظریه اسطوره - آیین کدام است؟ و عناصر بصری در نگاره‌های شاهنامه‌های شاهزادگان تیموری در داستان کشته‌شدن سیاوش، شخصیت اسطوره‌های اش را چگونه مطرح می‌کند؟ برای پاسخ به این پرسش ویژگی‌های اصلی نگاره‌ها براساس نظریه اسطوره - آیین بررسی شده. پژوهش حاضر، رویکردی تحلیلی و ماهیتی توصیفی-تاریخی دارد که به لحاظ هدف، کاربردی است و براساس مستندات بررسی می‌شود و به نقش اسطوره‌های سیاوش و نشان دادن اشتراکات و افتراقات نگاره‌های مشترک و شاخصه‌های بصری و هنری در شاهنامه‌های مصور یاد شده پرداخته شده است. همچنین چرایی اهمیت و توجه هنرمندان نگارگر ایرانی به شاهنامه و مؤلفه‌های وجودی آن در نگارگری مورد تحلیل قرار گرفته‌اند. در بازخوانی روایت تصویری اسطوره سیاوش، براساس رویکرد اسطوره-آیین به این نتیجه می‌رسیم که مرگ سیاوش هدف‌دار است، او نمی‌میرد، بلکه بارها و بارها به صورت سروش، همراه با مهر، متجلی می‌گردد. اسطوره - آیین می‌تواند در مطالعه جایگاه اسطوره در مناسک سیاوشان بانی نوین در مطالعات هنری شاهنامه به ارمغان آورد.

واژگان کلیدی

اسطوره - آیین، کشته‌شدن سیاوش، نگارگری، شاهنامه بایسنغری، شاهنامه ابراهیم سلطان، شاهنامه محمدجوکی

استناد: حنیفی، سارا؛ محمدی، مهدی محمدی؛ میرمبین، رضا (۱۴۰۳)، بازخوانی اسطوره‌های نگاره‌های کشته‌شدن سیاوش در شاهنامه‌های شاهزادگان

تیموری (ابراهیم سلطان، بایسنغری و محمد جوکی)، رهپویه هنرهای تجسمی، ۷(۲)، ۱۵-۲۲. DOI: 10.22034/ra.2024.2006735.1371

* نویسنده مسئول: E-mail: Sarahanifi1388@gmail.com



مقدمه

در باور عامه و در برخی از فرهنگ‌ها، اسطوره یا استوره یعنی «آنچه خیالی و غیرواقعی بوده و جنبه‌ای صرفاً افسانه‌ای دارد» اما استوره را باید داستان و سرگذشتی مینوی دانست که شرح عمل، عقیده یا یک نهاد است که دست کم بخشی از آن‌ها از سنت‌ها و روایت‌ها گرفته شده و با آیین‌ها و عقاید دینی پیوندی ناگسستنی دارد. در استوره سخن از این است که چگونه هر چیزی پدید می‌آید و به هستی خود ادامه می‌دهد. طبیعتاً اسطوره نیز برای انسان‌هایی که در گذشته می‌زیسته‌اند از اهمیت قابل توجهی برخوردار بوده. شخصیت‌های اسطوره را موجودات مافوق طبیعی تشکیل می‌دهند و همواره هاله‌ای از تقدس قهرمان‌های مثبت آن را فراگرفته است. حوادثی که در اسطوره نقل می‌شود داستان واقعی تلقی می‌گردد، زیرا به واقعیت‌ها برگشت داده می‌شود و همیشه منطقی را دنبال می‌کند. اسطوره گاهی به ظاهر حوادث تاریخی را روایت می‌کند، اما آنچه در این روایت‌ها مهم است صحت تاریخی آنها نیست بلکه مفهومی است که شرح این داستان‌ها برای معتقدان آن‌ها دربردارند و همچنین از این جهت که دیدگاه‌های آدمی را نسبت به خویشتن و جهان و آفریدگار بیان می‌کند دارای اهمیت است.

داستان‌های شاهنامه^۱ همگی نبردهای بین خیر و شر از پهلوانان نامدار باستانی ایران است که در قالب جنگ‌هایی همانند جنگ ایران و توران تصویر شده‌اند و هنرمندان با به تصویر کشیدن این داستان‌ها و نبردها هر آنچه از هنر در چنته داشتند به عرصه ظهور می‌نهادند. اصلی‌ترین اجزاء تشکیل دهنده اسطوره‌ها، انسان‌ها و مظاهر طبیعی به شمار می‌رفتند. که انسان آن‌ها را یگانه می‌شمرد و در ارتباط و پیوند شدید با هنر بود، همین پیوند بین هنر و اسطوره منجر به شجاعت بیشتر هنرمند برای خلق نگاره‌های ماندگار می‌شد.

نظریه‌ی اسطوره - آیین که در ابتدا توسط خاورشناس بریتانیایی ویلیام رابرتسون اسمیت در کتاب «خطابه‌هایی در باب دین اقوام سامی» طرح شد. او بر این باور بود که آیین‌ها هسته‌ی اصلی ادیان باستانی را تشکیل می‌دهند. مناسک و رفتار آیینی بشر را بر باورها و اساطیر مقدم می‌داند. نظریه «اسطوره و آیین» یا نظریه «آیین گرایی اسطوره» که حیات اسطوره را وابسته به آیین می‌داند و یکی از رویکردهای اصلی حوزه «نقد اسطوره‌شناختی» است، در شکل‌های جدید خود، بین اسطوره و آیین پارادیمی مشترک پیدا می‌کند. سیاوش از ایزدان پیشازدشتی ایرانی مرتبط با اساطیر باروری و فرهنگ کشاورزی است که آیین پرستش او در آیین سیاوشان باقی مانده است. محوریت این آیین که در اسطوره همچنان حفظ شده. هنرمند نگارگر آنچه را که در ذهنش نقش می‌بست، بدون ترس و دلهره با جرئت تمام و با احساس درونی خویش، داستان را در قالب تصویر حک می‌نمود و به نمایش می‌گذاشت. این پژوهش بر پایه اسطوره، نماد و... نقش اسطوره‌های انسان (سیاوش) و ویژگی‌های بصری آن در نگاره‌های مشترک در شاهنامه‌های ابراهیم سلطان (مکتب شیراز)، شاهنامه بایسنغری و محمد جوکی (مکتب هرات) است، می‌پردازد. اشتراکات و افتراقات این نگاره‌ها و شاخصه‌های بصری و هنری آنها

با نگاه به رویکرد اسطوره - آیین که برگرفته از نظریه ساموئل هنری هوک می‌باشد پرداخته شده است. در این پژوهش برای بررسی این سه نگاره به چرایی انتخاب داستان و ارتباطات میان متن و تصویر (تعداد ابیات موجود در نگاره‌ها، نسبت اندازه متن به تصویر، بیت مصور، سر^۲ داستان و میزان تعهد نگارگر به متن فردوسی در تصویرسازی) توجه شده است. به دنبال پاسخ به پرسش‌هایی نظیر:

ویژگی‌های اصلی نگاره‌های شاهنامه‌های شاهزادگان تیموری براساس نظریه اسطوره - آیین کدام است؟

عناصر بصری در نگاره‌های شاهنامه‌های شاهزادگان تیموری در داستان کشته شدن سیاوش، شخصیت اسطوره‌ای‌اش را چگونه مطرح می‌کند؟ (تأکید بر پیکره‌ها)

نگاره‌هایی با موضوع مشترک (کشته شدن سیاوش) در شاهنامه‌های مصور شاهزادگان تیموری مکاتب نگارگری (شیراز و هرات) دارای چه وجوه اشتراک و افتراقی هستند و تحلیل تصویری درباره این نگاره‌ها به چه نتیجه‌ای می‌انجامد؟

همچنین ترکیب‌بندی نقاشی‌ها (ارتباط میان کادر متن و کادر تصویر، تعداد پیکره‌های موجود در صحنه، نحوه قرارگیری آنها و ارتباط میان پرس‌زمینه با پیکره‌ها) تحلیل و بررسی شده‌اند. مبنای نگارنده در این پژوهش شاهنامه "جلال خالقی مطلق"^۳ می‌باشد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر، رویکردی تحلیلی و ماهیتی توصیفی-تاریخی دارد که به لحاظ هدف، کاربردی است و بر اساس مستندات بررسی می‌شود. به نقش اسطوره‌های انسان و نشان دادن اشتراکات و افتراقات نگاره‌های مشترک و شاخصه‌های بصری و هنری در شاهنامه‌های مصور دوره تیموری (شاهنامه ابراهیم سلطان، شاهنامه بایسنغری و شاهنامه محمد جوکی) پرداخته شده است.

پیشینه پژوهش

پژوهش حاضر بر پایه مفاهیمی چون؛ اسطوره^۴ و نماد استوار است. در واقع نقوش به مانند نمادهایی هستند که به یاری آنها می‌توان از اندیشه‌های یک قوم باخبر شد، برای بازگشایی تصاویر نمادین و شناخت نمادها نیاز به شناخت اسطوره داریم، زیرا که اساطیر جایگاه متولد شدن نمادها هستند. ایرانیان در نگرش و در نوع پرداخت هنری خود، وجه اشتراکاتی با اسطوره‌پردازی پیدا کرده بودند. «این نکته واضح است که هیچ پدیده و جریان فرهنگی و اجتماعی در تاریخ بشریت، نمی‌تواند بدون سابقه و پشتوانه باشد. تمامی پیشرفت‌های جهان در عصر حاضر همچون حلقه‌هایی از یک زنجیره به حلقه‌های دیگری پیوند خورده‌اند که از قعر تاریخ رشد کرده و در آن ریشه دارند» (هوشیار، ۱۳۹۶: ۶). در تدوین این پژوهش از مقالات، پایان‌نامه‌ها و کتاب‌هایی چند بهره جسته‌اند که به مقتضای محدودیت زمان از انبوه منابع بی‌شمار چشم پوشیده و برای آگاهی پژوهندگان پهنه ادب و هنر پارسی به چند عنوان از این منابع اشاره شده. «سیاوش، شخصیتی آیینی و رازناک در شاهنامه» اسطوره



را بر زمین می‌ریزند:

به جایی که فرموده بُد تشت خون / گروی زره برد و کردش نگون
(شاهنامه، ج ۳، داستان سیاوش، ب ۲۳۴۲).

بعد از این، این ابیات در حاشیه آمده است:

فرو ریخت خون سر پربُها/ به شخّی که هرگز نروید گیا
به ساعت گیاهی برآمد ز خون/ بدانجا که آن طشت کردش نگون
گیا را دهم من کنونت نشان/ که خوانی همی فراسیاشان
در اسطوره‌های کهن سیاوش از خون او درختی بلند رُست:
همه خاک آن شارستان شاد گشت/ گیا بر چمن سرو آزاد گشت
ز خاکی که خون سیاوش بخورد/ به ابر اندر آمد درختی ز گرد
(شاهنامه، ج ۳، داستان سیاوش، ابیات ۲۵۶۱ و ۲۵۶۲).

سوگ سیاوش از منظر اسطوره - آیین

آیین «سوگ سیاوش»، «سوگ سیاوشان» یا «سووشون» آیینی است که ایرانیان از دیرباز در سوگ کشته شدن سیاوش برگزار می‌کرده‌اند و تأثیرات آن را در بسیاری از آیین‌های امروزی از جمله مراسم تعزیه برای مردگان، نخل‌بندی و نخل‌گردانی^۶، مراسم عزای امام حسین (ع) و حتی نوروز می‌بینیم! عده زیادی از دانشمندانی که درباره فرهنگ آسیای مرکزی مطالعه کرده‌اند، باور دارند که سیاوشان مراسم سال نو است. برخی حتی می‌اندیشند که سیاوشان عامل منحصربه‌فرد پدید آمدن جشن آغاز سال است. «به علاوه مراسم فروردگان: جشن‌ها و آئین‌هایی که سالانه برای مردگان گرفته می‌شد، در ایران همیشه پیش از نوروز انجام می‌شده است» (حضور، ۱۳۸۴: ۸۵-۸۴). «سرو» یکی از نمادهایی است که بسیاری از محققان آن را نماد آیین سوگ سیاوش می‌دانند. «در اساطیر، درخت سرو نماد خدای گیاهی است و مهر در ایران تا حدودی نماد خدای گیاهی است که درخت سرو نقش آن است» (بهار، ۱۳۸۱: ۲۷۵). نخل‌هایی که امروزه در مراسم عزای امام حسین (ع) در شهرهای مثل یزد و نایین می‌گردانند نمادی از شیوهی تشییع پیکر سیاوش در آیین سوگ سیاوش است. حتی طرح سنتی «بته جقه» که از طرح‌های سنتی تزئین پارچه و لباس است برگرفته از سرو است و نمادی از سوگواری دائمی ایرانیان در مرگ سیاوش است.

در واقع نقوش به مانند نمادهایی هستند که به باری آن‌ها می‌توان داستان‌ها و روایات مختلف را فقط با نشان دادن یک نقش برای بیننده تداعی کرد. کار جلاد را سرداری به نام کرو انجام می‌داد. این شخص در یک هم‌آوردی، از سیاوش شکست خورده بود. وقتی خبر کشته شدن سیاوش به ایران رسید همه‌ی ایران غرق در غزا شد. رستم با شنیدن خبر از هوش رفت. بعد از ۷ روز عزاداری، رستم و سپاهیان‌ش به نزد کاووس رفتند. آیین ۷روز عزاداری برای مردگان در ایران شاید از همین اسطوره نشأت گرفته باشد. ایران و توران بر سر این خون ناروا در هم آویختند و قرن‌ها خون‌ریزی شد. «برخی اسطوره‌شناسان و پژوهشگران با تأکید بر تداوم آیین‌های سوگ سیاوش می‌گویند که این آیین‌ها پس از اسلام بخش مهمی از سوگواری‌های محرم و رویداد عاشورا را شکل می‌دهد» (فرهنگ امروز، ۱۳۹۷). «سووشون نوعی عزاداری مخصوص شیرازی هاست. در مراسم سووشون، زن‌هایی که شوهرانشان را از دست

سیاوش، با در نظر گرفتن جزء به جزء ساخت مایه‌های آن، یکی از اصلی‌ترین و محوری‌ترین بخش‌ها در زنجیره اسطوره‌های ایرانی است. این اسطوره یکی از پشتوانه‌های ساختاری شاهنامه به شمار می‌آید؛ زایش، زندگی و مرگ او، مایه اسطوره‌ای کهن را در خود دارد و شخصیت او آیینی و رازناک است. (خلیل نژاد، ۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «تبیین ارتباط آیین، اسطوره و ادبیات از منظر نظریه‌ی اسطوره-آیین» از اسطوره به عنوان یک زمینه‌ی بینارشته‌ای ابزاری برای شناخت و تحلیل موضوعات در اختیار گرفته و در این راه اسطوره‌شناسی با برقراری پیوند میان حوزه‌های فرهنگی همچون مردم‌شناسی، زبان، هنر و ادبیات یک دستگاه فکری برای سنجش مسائل موجود در آنها ایجاد می‌کند. (شکبیه ممتاز، ۱۳۸۹) «جایگاه سیاوش در اساطیر» این مقاله پیرامون بررسی چهره و موقعیت سیاوش به عنوان یکی از شخصیت‌های محوری حماسه ملی ایران، در اساطیر، اوستا و متون پهلوی و یافته‌های باستان‌شناسی است. اتیمولوژی سیاوش و بحث در خصوص جایگاهش در اسطوره‌های ایرانی و شناخت کهن‌الگوی بین‌النهرینی او دموزی در پنج حوزه «آیین‌ها»، «نخستین انسان»، «مسأله شهادت» و «سوگ سیاوش» از جمله مواردی است که به آنها پرداخته شده است. (ساموئل هنری هوک، ۱۹۶۳) در کتاب *اساطیر خاورمیان*، به شرح مضامینی اسطوره‌ای متعلق به هزاره‌های پیشین است که طی چهل تا پنجاه سال اخیر به همت باستان‌شناسان و کهن‌شناسان جهان از مناطق خاورمیانه به ویژه دشت سوزیان و دشت میان رودان و دره نیل و آسیای صغیر از دل تاریکی بیرون کشیده شده و تاریخ جهان را دگرگون کرده است. درباره سیاوش تحقیقات زیادی انجام شده که بخش بسیاری از آنها بر پیشامتن شاهنامه یا نقد متن آن در شاهنامه متمرکز بوده است. از جمله این آثار، آنچه با ارتباط این اسطوره با جنبه‌های آیینی آن در پیوند است. آثار مهرداد بهار: *پژوهشی در اساطیر ایران، از اسطوره تا تاریخ و جستاری در فرهنگ ایران* است که از نظریه دانشمندان روس درباره ارتباط اسطوره سیاوش با آیین‌های باروری (که در متن مقاله از آنها یاد شده) استفاده شده‌اند.

اسطوره‌شناسی و پیشینه تاریخی اسطوره سیاوش

از شخصیت‌های اساطیری تأثیرگذار در شاهنامه فردوسی، سیاوش یا سیاووش یا سیاوخش است. داستان زندگی این شاهزاده‌ی قهرمان که مظهر درست‌پیمانی، جوانمردی و ترکیبی است از ویژگی‌های آرمانی انسان. اسطوره سیاوش، افسانه‌ای است بس کهن که دیرینگی آن می‌رسد به پیش از تاریخ و آیین مهر که به خاطر سبز شدن و رستخیز خدای گیاهی جشن گیاهی داشتند. سیاوش یادآور دوره کشاورزی است که اسب بسیار مهم بوده و مسئله «توتم» مطرح است. سیاوش که به معنای «دارنده اسب سیاه» می‌باشد، در ابتدا اسب و سپس سوار است. آنگاه از حد سوار (شاه) هم بالاتر می‌رود. سیاوش علاوه بر حقیقت تاریخی، یک رمز تاریخی آغشته به شعر است، این یک نماد است «اسطوره تاریخ ایزدان است. به نظر نمی‌رسد که همه اساطیر را شامل شود، زیرا اسطوره گاهی تاریخ اقوام و پهلوانان است» (شمیسا، ۱۴۰۰: ۴). سیاوش یکی از ایزدان گیاهی است. در داستان سیاوش از خون او پر سیاوشان (فراسیاشان) رُست: وقتی سر او را در تشت می‌بُند، خون او



داستان کشته شدن سیاوش یکی از موضوعاتی است که در هر سه نسخه شخصیت سیاوش و صحنه مرگ اوست. در طول دوران حیات شاهرخ و اساساً در دوره تیموریان رسم بر این بود که شاهزادگان به حکومت ایالات و دیگر نواحی می رفتند و عادت خانوادگی حمایت از هنرمندان و دانشمندان را به تمام دربارهای محلی یا ولایتی به همراه می بردند. به همین علت در طول این حکومت چندین مرکز هنری هم زمان چه بسا گاه در رقابت و با رفاقت با یکدیگر وجود داشتند (پاکباز، ۱۳۸۳: ۷۱).

شاهنامه ابراهیم سلطان: ابراهیم سلطان (۷۹۶-۸۲۸ هـ.ق) امیرزاده تیموری فارس، خوشنویس و ادب پرور بود. شاهنامه مصور ابراهیم سلطان یکی از این آثار است. این نسخه مصور از شاهنامه دارای ۴۶۸ برگ (۹۴۶ صفحه) و در حال حاضر با ۴۵ نگاره در کتابخانه بادلیان دانشگاه آکسفورد نگهداری می شود. اغلب نگاره های این نسخه دارای فضایی ساده، خلوت و بی آرایش را نشان می دهد. تعداد پیکرها در هر صحنه اندک و از نمای نزدیک، بزرگ و واضح دیده می شوند. این نسخه از لحاظ تکنیک و مهارت نقاشان با سایر آثار به جا مانده این دوره خصوصاً مکتب هرات متفاوت است. با توجه به کثرت نگاره های این نسخه، این طور به نظر می رسد که برای خلق نگاره ها زمان چندانی صرف نشده باشد. نگاره مورد مطالعه در این پژوهش نگاره کشته شدن سیاوش می باشد (تصویر ۱).

شاهنامه بایسنغری: غیاث الدین بایسنغر بن شاهرخ (۱۳۹۹/۸۰۲ تا ۱۴۳۳/۸۳۷) که در هرات متولد شد. شاهنامه ای که به دستور و حمایت وی تدوین شد از جمله نسخه های پراهمیت در تاریخ کتاب آرای ایران به شمار می آید. این شاهنامه در میان شاهنامه های مصور و آراسته موجود در کتابخانه ها و موزه های جهان از نامورترین و شناخته شده ترین نسخه هاست. «شاهنامه بایسنغری» در قطع رحلی و دارای ۷۰۰ صفحه (۳۸/۴۲۶/۵) با ۲۲ نگاره (مینیا تور آبرنگی) که این تعداد نگاره برای شاهنامه مصور تعداد کمی است تصویری که از دربار پادشاهان اساطیری شاهنامه در این نسخه نشان داده شده است، همان دنیای ایده آل بایسنغر است. شاهنامه بایسنغری به سبب اینکه در لندن، سن پترزبورگ، پاریس و رم به نمایش درآمده و مینیاتورهای آن به وسیله یونسکو در سری کتاب های دنیای هنر در جلد مربوط به ایران چاپ شده و در غرب بسیار نامی است. نگاره مورد مطالعه در این پژوهش نگاره کشته شدن سیاوش می باشد (تصویر ۲).

شاهنامه محمد جوکی: شاهنامه محمد جوکی در ۵۳۶ صفحه، به صورت چهارستونی و تنظیم بیست و پنج سطری، به خط نستعلیق نگارش شده و عنوان های آن به خط رقا ع هستند. این شاهنامه «انجامه»^۱، «شمسه» و «فاتحه الکتاب» ندارد، بنابراین اطلاعات سفارش دهنده، تاریخ دقیق آغاز و پایان و هنرمندان آن در محل مشخصی ثبت نشده است و نامشخص هستند. در هیچ قسمتی از نسخه نامی از کتابان و نگارگران آورده نشده است. «محققان تاریخ اتمام آن را ۸۴۸ هـ.ق. / ۱۴۴۵م. (به فاصله پانزده سال از پایان یافتن شاهنامه بایسنغری) می دانند. علت انتساب این شاهنامه به محمد جوکی مجلس بیست و سوم، «کشته شدن ارجاسب به دست اسفندیار» است که در بالای ورودی به خط کوفی به عربی آمده است:

داده باشند شرکت می کنند و گیس هایشان را می برند و به درختی موسوم به درخت گیسو آویزان می کنند. سووشون به فتح سین، شکسته شده و تلفظ محلی سیاوشان است و معنای آن زاری کردن به سوگ سیاوش است» (دانشور، ۱۴۰۱). «بخش دیگری از سیاوشان، اسطوره ای است معروف، اسطوره مرگ و زندگی، پژمردن و بهار کردن که نمونه هائی در آئین های دیگر چه در آسیا، چه در آفریقا و چه در آمریکای جنوبی دارد. در این داستان ها خزان کامل (مرگ سیاوش) و بهار پس از آن (تولد کیخسرو پس از مرگ سیاوش) و نیز رفتن سیاوش به درون آتش (به نشانه خزان) و زنده آمدن او (بهار) دیده می شود. اسطوره نماد مرگ و رستاخیز و تابع الگوی خزان و بهار است... آداب آن به منظور تشویق نیروهای آسمانی برای ادامه دادن به بخشایش های سالانه منابع حیات است» (میرچا، ۱۳۷۲: ۲۶۰-۲۵۹).

فروردیگان^۲ جشن فروهرها و بازگشت ارواح نیاکان به خانه های خود بود. کلاً مراسم مربوط به عید نوروز در ارتباط با درگذشتگان است. بعدها چنین شد که مردم پنجشنبه آخر سال بر مزار اموات خود می رفتند و حلوا می بردند تا ارواح از آن بخورند. تقدس هومه یا سومه (ویوسونت، پدر جمشید، و آبتین، پدر فریدون، از موبدان آیین سومه بودند) تبدیل به تقدس شراب و ستایش و معنویت آن در شعر فارسی شد. مراسم عزاداری برای خدایان باروری، خدایان میرنده (ایزد شهید شونده)، خدایان اشک و امثال آن ها در مراسم عزاداری های ادیان (مثلاً شیعه) باقی ماند. مراسم عزاداری سالار شهیدان پروتوتایپ دارد و به نوعی تکرار همان آیین های عزاداری سالار شهیدان ایزدان شهید شونده است. در ایران باستان برای سیاوش هم مراسمی می گرفتند و گویا دسته هم راه می انداختند. گریستن و شیون مغان در این مورد معروف است. یک بخش مهم از مطالعات اساطیری مطالعه در مراسم و مناسک (ritual) است. کنش این مراسم ایجاد حس وحدت و تداوم و تشدید حس قومیت و ملیت بود. از دید نشانه شناسی و اسطوره شناسی به یکدیگر پیام یکی بودن می دادند (شمیسا، ۱۴۰۰: ۱۰). یا شاید بشود گفت؛ علت بی مرگی اسطوره که به صورت Story (داستان) عرضه می شود این است که اصل آن history (حقیقتی تاریخی) است و در واقع این تاریخ است که تکرار می شود (تذکره الشعرا، ص ۱۱۲). اسطوره هایی که در مناسک آیینی و دینی خوانده می شوند قدرت مافوق الطبیعه را شرح می دهند که باعث برگشت دوباره به مرحله آغازین اسطوره و دوباره فعال شدن آنها می گردد.

سابقه تاریخی شاهنامه های تیموری

فرزندان شاهرخ تیموری: ابراهیم سلطان، بایسنغر میرزا و محمد جوکی حامیان خلق سه نسخه مصور، نفیس و ماندگار از شاهنامه بودند. شاهنامه های یاد شده که طبیعتاً همگی از متنی واحد برخوردارند، به لحاظ شیوه نگارگری و تصویرگری تفاوت هایی با یکدیگر دارند. شاهنامه بایسنغری (۸۳۳ هـ.ق) با ۲۲ نگاره در مکتب هرات و شاهنامه محمد جوکی (۸۴۸ تا ۸۴۳ هـ.ق) با ۳۱ نگاره در مکتب هرات و شاهنامه ابراهیم سلطان (۸۳۳ هـ.ق) با ۴۳ نگاره در مکتب شیراز کتابت و نگارگری شدند. در این کتاب ها نقاشی هایی با موضوع یکسان وجود دارد.



اوج انحنای تپه پس‌زمینه در رأس مثلث پیکره‌ها نیز به بهتر دیده شدن آنها کمک می‌کند. تنها پیکره‌های تصویر سیاوش، گروی و سربازی که تشت خون را نگه داشته دیده می‌شوند. استفاده از کمترین پیکره‌ها بر روی پس‌زمینه خالی و خلوت یک ترکیب‌بندی متمرکز است. حالات روانی و احساسی شخصیت‌ها در چهره‌هایشان به صورت سرد و بی‌احساس به تصویر کشیده شده، شاید چهره سیاوش کمی حقانیت و مظلومیت را نشان دهد. اما گروی و همکارش کمترین نشانی از سنگدلی و بی‌رحمی ندارند. پیکره‌های درشت و سرزنده‌ای در یک منظره ساده و با طرحی قوی‌تر و رنگ‌های خاموش‌تر دیده می‌شوند (پاکباز، ۱۳۸۳: ۷۳). آسمان وسعتی کمتر دارد و صاف و یکنواخت است. آسمان لاجوردی نشانه استعاره‌ای به تیره‌روزی را نشان می‌دهد. گروی و سیاوش لباس درباری و یا رسمی پوشیده‌اند و فقط همکار گروی لباس رزم به تن دارد. هر سه پیکره این نگاره ریش و سیل دارند. تمرکز بیشتری بر روی پیکره‌ها و اتفاق اصلی وجود دارد. سوار بودن گروی بر پشت سیاوش و حالت افتاده‌ی او در اینجا ترحم بیشتری را بر می‌انگیزد. (همانند دو نگاره دیگر) توالی زمان نادیده گرفته نشده و از آنجایی که هنوز تشت در دست گروی نرسیده است، نشانی از گیاهی خاص هم دیده نمی‌شود.

خوانش تصویری نگاره شاهنامه بایسنغری

عناصر بصری نگاره (تصویر شماره ۵) در یک ترکیب‌بندی شلوغ و مملو از جزئیات به گونه‌ای چیده شده‌اند که چشم مخاطب را به سمت سوژه اصلی هدایت می‌کنند. تمهید هنرمند نگارگر در جهت قرارگیری نیزه‌ها و شمشیرها و همین‌طور جهت نگاه پیکره‌ها کاملاً عیان است. اتفاق اصلی تقریباً در یک‌سوم بالای تصویر و در میانه کادر در حال وقوع است. مردانی به دور اتفاق اصلی صحنه به تماشا ایستاده‌اند. تمامی چهره‌ها ریش و سیل دارند. لباس متفاوت و فاخرتر فردی که در پایین کادر و سمت راست کنار اسب‌ها ایستاده او را از سایرین متمایز می‌کند.



تصویر ۳- نگاره کشته شدن سیاوش، شاهنامه محمد جو کی، ۸۴۸ ه.ق، مکتب هرات. منبع: (توانا، ۱۳۹۷: ۱۲)

محمدجو کی بهادر. ابعاد کلی کتاب ۲۲۸×۳۳۸ م.م است. این نسخه کامل است و دارای ۳۱ مجلس می‌باشد. در قرن هجدهم به زمامداران انگلیسی حاکم بر هند هدیه داده شد. سپس در مارس ۱۸۳۴ به انجمن سلطنتی آسیا در لندن تقدیم شد و در سال ۱۹۴۶ در اختیار موزه بریتانیا قرار گرفت و از سال ۱۹۷۳ امانت در اختیار موزه بریتانیا قرار دارد. نگاره مورد مطالعه در این پژوهش نگاره کشته شدن سیاوش می‌باشد (تصویر ۳).

خوانش تصویری نگاره شاهنامه ابراهیم سلطان

نگاره (تصویر شماره ۴) با گیاهان تزئینی هم‌سان پر شده. گروی بسیار بزرگ در میانه کادر و رو به پایین نقاشی شده‌اند. به استثناء پیکره‌های اصلی عنصر دیگری برای سردرگم کردن مخاطب وجود ندارد. قرارگیری



تصویر ۱- نگاره کشته شدن سیاوش، شاهنامه ابراهیم سلطان، دهه ۸۲۰ ه.ق، مکتب شیراز. منبع: (توانا، ۱۳۹۷: ۱۱)



تصویر ۲- نگاره کشته شدن سیاوش، شاهنامه بایسنغری، ۸۳۳ ه.ق، مکتب هرات. منبع: (توانا، ۱۳۹۷: ۱۲)



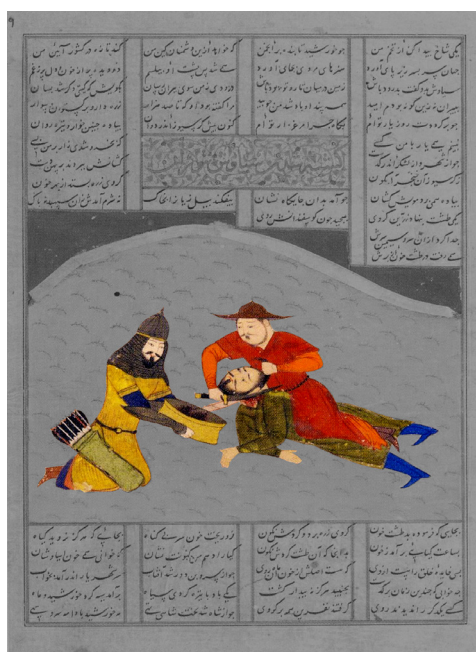
خوانش تصویری نگاره شاهنامه محمد جوکی

۱۲ بیت از داستان در کتیبه بالای کادر نوشته شده‌اند که تقریباً یک سوم کادر (تصویر شماره ۶) را اشغال کرده است. اتفاق اصلی در یک چهارم پایین و سمت چپ کادر قرار دارد و جهت چیدمان پیکره‌ها نگاه‌ها را به سمت موضوع اصلی هدایت می‌کنند. در این تصویر مردانی به دور اتفاق اصلی صحنه به تماشا ایستاده‌اند. شش پیکره موجود در نگاره در جهت ترکیب‌بندی مورب و قطری و به موازات جهت انحنای تپه‌های پس‌زمینه قرار گرفته‌اند. حضور انواع بوته‌ها، بافت‌های صخره‌های مرجانی و درختان از سادگی اثر کاسته‌اند. آسمان با تکه‌های ابر و یا شاخ و برگ درختان و پرندگان در حال پرواز آراسته شده است. آسمان لاجوردی نشانه استعاره‌ای به تیره روزی را نشان می‌دهد. در این نگاره هیچ کدام از پیکره‌ها لباس رزم بر تن ندارند. درباریان لباس رسمی به تن دارند. بالاتنه سیاوش عریان است و شلواری که به پا دارد نشانی از جنگاوری و یا جایگاه رسمی و درباری ندارد. در این اثر فقط شخصیت‌های اصلی ریش و سبیل دارند و صورت‌های ملازم گریسوز و پیک و فردی که تشنه را در دست دارد بدون مو است. در این نگاره توالی زمان نادیده گرفته نشده و از آنجایی که هنوز تشنه در دست گروهی نرسیده است، نشانی از گیاهی خاص هم دیده نمی‌شود.

مقایسه نگاره‌ها

در ابتدا موضوع نگاره، یعنی انتخاب شخصیت سیاوش و لحظه مرگ او جای تأمل دارد، خصوصاً که در شاهنامه بایسنغری و علی‌رغم تعداد اندک تصاویر، مدیر کتابخانه این داستان را انتخاب کرده است. همان‌طور که پیش‌تر آمد یکی دیگر از صحنه‌های زندگی سیاوش که در شاهنامه‌های بسیاری نقاشی شده، عبور او از میان آتش است. جالب اینجاست که در میان این سه نسخه، عبور سیاوش از آتش تنها در شاهنامه بایسنغری به تصویر درنیامده است. با قبول این ایده که «پیمان‌داری و وفای فراگیر» (مسکوب،

او گریسوز، محرک اصلی مسبب مرگ سیاوش است. نقاشان، وضعیت پیکره‌ها و صحنه را دقیقاً مطابق متن فردوسی به تصویر کشیده‌اند (اصالت اثر). با ۸ پیکره پر تعدادترین نگاره است که در آن پیکره‌ها و دو اسب در چیدمانی دایره‌ای شکل دیده می‌شوند. آسمان با تکه‌های ابر و یا شاخ و برگ درختان و پرندگان در حال پرواز آراسته شده است. آسمان لاجوردی نشانه استعاره‌ای به تیره روزی را نشان می‌دهد. سربازان لباس رزم و کلاه خودهای جنگی به سر دارند، به جز سیاوش همان‌طور که در شعر فردوسی اشاره شده (کلاه خود سیاوش روی زمین افتاده). توالی زمان نادیده گرفته نشده و نشانی از گیاهی خاص هم دیده نمی‌شود.



تصویر ۴- نگاره کشته شدن سیاوش، شاهنامه ابراهیم سلطان، دهه ۸۲۰ ه.ق، مکتب شیراز. منبع: (توانا، ۱۳۹۷: ۱۱۱). (با تمرکز بر پیکره‌ها)



تصویر ۶- نگاره کشته شدن سیاوش، شاهنامه محمد جوکی، ۸۴۸ ه.ق، مکتب هرات. منبع: (توانا، ۱۳۹۷: ۱۲۲). (با تمرکز بر پیکره‌ها)



تصویر ۵- نگاره کشته شدن سیاوش، شاهنامه بایسنغری، ۸۳۳ ه.ق، مکتب هرات. منبع: (توانا، ۱۳۹۷: ۱۱۳). (با تمرکز بر پیکره‌ها)



جدول ۱- مشخصات ظاهری نگاره‌ها

شاهنامه محمد جوکی	شاهنامه بایسنغری	شاهنامه ابراهیم سلطان	سال تولید
۸۴۸ ه.ق	۸۳۳ ه.ق	دهه ی ۸۲۰ ه.ق	مکتب هنری
هرات	هرات	شیراز	سفارش دهنده
محمد جوکی	بایسنقر میرزا	ابراهیم سلطان	محل نگهداری
انجمن سلطنتی آسیای-لندن	کتابخانه گلستان-تهران	کتابخانه بادلیان دانشگاه آکسفورد	بیت مصور
یکی طشت بنهاد زرین گروی پیچید چون گوسفندانش روی	جداکرد از آن سرو سیمین سرش همی رفت در طشت خون از برش	جداکرد از آن سرو سیمین سرش همی رفت در طشت خون از برش	تعداد ابیات
دوازده	پنج	بیست و هفت	تعداد پیکرها
شش	هشت	سه	مجلس مصور شده
	مجلس نهم		

تبیین بی‌واسطه‌ی جهان نیست بلکه آنها تنها به تبیین وقایع موجود در مراسم دینی می‌پردازند. در بسیاری از موارد، اساطیر از آیین‌ها سرچشمه گرفته‌اند. آن چه را که یک جمع به شکلی نمادین در آیین‌هایشان به صورت نمایشی به کار می‌برند، قهرمان اسطوره به تنهایی انجام می‌دهد. قهرمان اسطوره‌ای به شکلی در ارتباط با تقدس قرار گرفته است. هم‌چنان که نظریه اسطوره- آیین امکانی روانشناسانه و جامعه شناختی برای بررسی روایت‌های اسطوره‌ای و اعمال قهرمانی در اختیار دارد می‌توان در امتداد این نظریه ادبیات را نیز در پیوند مستقیم با اساطیر و امدار جنبه‌های گوناگون و مهم از خصایص آیین‌ها و باورها دانست. آنچه که از پیوند میان «انسان و طبیعت»؛ سیاوش که از خدایان نباتی است و «هنر و اسطوره»؛ نگاره‌های شاهنامه‌های تیموری به جای مانده شهادت بیشتر هنرمند برای خلق اثر و ماندگاری داستان را می‌بینیم و هر آنچه را که از این ارتباطات و نقش اسطوره‌ای انسان و ویژگی‌های بصری آن در ذهنش نقش بسته، به پشتوانه شاهان و افراد قدرتمند در قالب تصویر به نمایش درآورده و بدان پرداخته. در بازخوانی روایت تصویری اسطوره سیاوش، براساس رویکرد نظری اسطوره- آیین (ساموئل هنری هوک)، کمک می‌کند؛ به این نتیجه می‌رسیم که مرگ سیاوش هدف‌دار است، او نمی‌میرد، بلکه بارها و بارها به صورت سروش، همراه با مهر، خدای عهد و پیمان، ظاهر می‌گردد. در واقع اسطوره‌ها هیچ‌گاه از بین نمی‌روند و در قالب‌های تازه‌تری در جان و روان ملت‌ها جاری و ساری می‌شوند. آیین «سوگ سیاوش» آیینی است که ایرانیان از دیرباز در سوگ کشته شدن سیاوش برگزار می‌کرده‌اند و تأثیرات آن را در بسیاری از آیین‌های امروزی از جمله مراسمات تعزیه برای مردگان، نخل‌بندی و نخل‌گردانی، مراسم عزای امام حسین (ع) و حتی نوروز؛ مراسم سال توبه علاوه مراسم فروردگان را نماد آیین سوگ سیاوش می‌دانند.

پی‌نوشت‌ها

۱. شاهنامه به امر سلطان محمود غزنوی توسط حکیم ابوالقاسم فردوسی توسی سروده شده. بخش عظیم این حماسه در دوره سامانیان (بین سالهای ۳۶۷-۳۷۰ و در سال ۴۰۰ق) به پایان رسیده است. موضوع این شاهکار ادبی، افسانه‌ها و تاریخ ایران از آغاز تا حمله اعراب به ایران در سده هفتم میلادی است. شاهنامه از سه بخش اسطوره‌ای، پهلوانی و تاریخی تشکیل

۳۵:۱۳۸۶). شاهنامه ابراهیم سلطان با ۲۷ بیت شعر بیشترین بخش صفحه یعنی حدود دو سوم را به جدول شعر اختصاص داده است. سرلوح در قسمت بالا و با متن «کشته‌شدن سیاوش به دست گروی» پر از نقوش گیاهی تزئینی است. در نگاره کتابخانه جوکی ۱۲ بیت از داستان در کتیبه بالای کادر نوشته شده‌اند که تقریباً یک سوم کادر را اشغال کرده است. اندازه نگاره در این صفحه ۱۴۸×۱۵۶ میلی متر است (Brend, 73:2010). سرلوح تنها با یک جدول کشی ساده و بدون هیچ‌گونه عنصر تزئینی این نوشته را در خود دارد «کشتن گروی زره سیاوش را». در شاهنامه بایسنغری تنها ۵ بیت از داستان سیاوش در نگاره جای داده شده که نسبت به دو نمونه دیگر بسیار کمتر است. سهم ابیات در این نگاره کمتر از یک‌دهم کادر است. اندازه نگاره در نسخه شاهنامه بایسنغری ۱۸۰×۲۷۲ میلی متر است (شریف زاده، ۱۳۷۰، ۱۶). این صفحه برخلاف دو نمونه دیگر سرلوح ندارد و نام داستان در آن به چشم نمی‌خورد، اما همه ابیات طلااندازی شده‌اند. نکته در خور تأمل این که در شاهنامه بایسنغری که کمترین تعداد بیت شعر را دارد (تنها ۵ بیت) فقط توصیف لحظه کشتن سیاوش آمده است، تصاویر شاهنامه مصور مورخ ۸۳۸ که در شیراز برای سلطان ابراهیم پسر شاهرخ فراهم شده و در کتابخانه بودلیان در آکسفورد نگهداری می‌شود و تصاویر شاهنامه مصور مورخ ۸۴۳ که برای محمد جوکی پسر شاهرخ، حاکم بلخ تهیه شده (انجمن سلطنتی آسیای لندن، نسخه خطی اش ۲۳۹)، از لحاظ عظمت کار و مایه هنری، به پای شاهنامه بایسنغری نمی‌رسد.

نتیجه‌گیری

کنار یکدیگر قرار گرفتن با توجه به شباهت‌ها و تفاوت‌ها و برجسته نمودن شخصیت اسطوره‌ای سیاوش بین سه اثر در سه شاهنامه متفاوت با توجه به رویکرد اسطوره- آیین، ما را به نتایج مختلفی می‌رساند. مجموعه میراث‌های مادی و معنوی که از یک دوره تاریخی یا مکتب هنری باقی می‌ماند و با دانش عجیب می‌شوند مقدمات ادامه تمدن را کنار هم چیده‌اند زیرا بدون دانش، تمدن به قهقرا می‌رود. در پاسخ به سوالات پژوهش: می‌توان اظهار داشت، آن‌طور که نمایان است، بر اساس نظریه اسطوره- آیین، آیین‌ها مقدم بر اساطیر هستند. اساطیر تنها برای توضیح خواستگاه آیین‌ها به وجود آمده‌اند. کارکرد اسطوره



خلیل نژاد، کیوان (۱۳۹۷)، تبیین ارتباط آیین، اسطوره و ادبیات از منظر نظریه‌ی اسطوره - آیین. پنجمین همایش متن پژوهی ادبی. نشریه هسته مطالعات ادبی و متن پژوهی، (اردیبهشت ۱۳۹۷).

دانشور، سیمین (۱۴۰۱)، سووشون. تهران، نشر: خوارزمی.

راشد محصل، محمدرضا، نشانه‌هایی از آیین‌های ابتدایی در حماسه ملی، سیمرخ، قسمت اول، ۱۵، ۱۷، ۱۸، ص ۱۶.

سعادت‌مند، متانت (۱۴۰۱)، نشریه راسخون، دوشنبه ۱۲ دی ماه.

سمرقندی، دولت‌شاه (۱۳۳۸)، تذکره الشعراء، نشر: کلاله خاور.

شاهنامه ابوالقاسم فردوسی، ویرایش دوم، شاهنامه به اهتمام جلال خالقی مطلق؛ پیرایش جلال خالقی مطلق، تهران، انتشارات سخن، ۱۳۹۳، ج ۲. ضمیمه آینه میراث. تهران تابستان ۱۳۹۴. به واسطه نورمگز.

شمیسا، سیروس (۱۴۰۰)، اساطیر و اساطیرواره‌ها، تهران، نشر هرمس.

عبدی، سیده فرشته (۱۳۹۵)، بررسی تطبیقی تصاویر نگارگری شاهنامه بایسنغری با ادبیات حماسی (مبتنی بر توصیف پهلوانی) شاهنامه فردوسی.

چهارمین کنفرانس بین‌المللی پژوهش در مهندسی، علوم و تکنولوژی. آتن یونان، شهریور ۱۳۹۵ 6th. September 2016- Athens GREECE

عرب گلپایگانی، عصمت (۱۳۷۶)، اساطیر ایران باستان، تهران، نشر هیرمند.

کاوسی، ولی الله (۱۳۹۸)، تیغ و تنبور: هنر دوره تیموریان به روایت متون، تهران: مؤسسه انتشاراتی متن.

گرابر، اولگ (۱۳۹۶)، مروری بر نگارگری ایرانی، ترجمه مهرداد وحدتی دانشمند، تهران، فرهنگستان هنر.

گردگیران، فهیمه (۱۳۹۹)، اسطوره سیاوش، پیشینه تاریخی و گسترش آن در فرهنگ ایران. تهران: شرکت انتشارات سوره مهر- به سفارش واحد آفرینش‌های ادبی مراکز استانی/استان مازندران.

مسکوب، شاهرخ (۱۳۸۶)، سوگ سیاوش (در مرگ و رستاخیز)، تهران: شرکت سهامی انتشارات خوارزمی.

منیره پور، آذر (۱۳۹۴)، مطالعه نگاره‌های شاهنامه محمد جوکی مکتب هرات، دوره ی تیموری. منتشر شده در اولین همایش بین‌المللی نوآوری و تحقیق در هنر و علوم انسانی در سال ۱۳۹۴. شناسه (COI)

مقاله. ARTHUMAN01_246

هاشمی، ماندانا (۱۳۸۴)، تجلی عرفان در داستان‌های شاخص شاهنامه، تهران، زوار.

هنری هوک، ساموئل (بی تاریخ)، اساطیر خاورمیانه، ترجمه علی اصغر بهرامی و فرنگیس مزداپور.

هوشیار، مهران؛ افتخاری راد، فاطمه (۱۳۹۶)، پژوهش، حقیقت دانش‌آشنایی با مبانی پژوهش در رشته‌ی هنر و اصول مقاله‌نویسی به روش A.P.A.

لیاده، میرچا (۱۳۹۶)، اسطوره و واقعیت، ترجمه مانی صالحی علامه، تهران، نشر کتاب پارسه.

شده است که در چهار دودمان پادشاهی پیشدادیان، کیانیان، اشکانیان و ساسانیان گنجانده می‌شود. شاهنامه بزرگ‌ترین کتاب به زبان پارسی است (کزازی، ۱۳۹۸، ۱۲).

۲. سردستان کادری است که پیش از نگاره و در میان متن می‌آید و عنوان داستان مصور شده را در خود دارد.

۳. دکتر جلال خالقی مطلق تا سال ۱۳۸۷ بیش از ۳۶ سال و مطالعه و بررسی نزدیک به ۵۰ نسخه خطی شاهنامه و با همکاری اعضای فرهنگستان زبان و ادب فارسی نسخه شاهنامه فردوسی را تصحیح کرد و برای این کار ۵۰ سال زمان صرف کرد. بسیاری از شاهنامه پژوهان برجسته ایرانی و خارجی، این ویرایش را مثبت ارزیابی کرده‌اند و یا آن را ستوده‌اند. این نسخه در دو جلد و توسط انتشارات سخن در سال ۱۳۹۳ ه.ش به چاپ رسید (خالقی مطلق، ۱۳۹۳).

4. Symbol

۵. توتم: چیزی که در اقوام بومی به عنوان سمبل مورد پرستش قرار گیرد. این کار به عنوان حمایت و حفاظت انجام می‌شود.

۶. نخل گردانی یا نخل ماتم، نام مراسمی رایج در میان شیعیان برخی مناطق کویری است که به صورت تشییع نمادین پیکر امام حسین (ع) در روز عاشورا برگزار می‌شود. در این مراسم اتاقکی شبیه به تابوت را در محل‌های برگزاری مراسم عزاداری از جمله مساجد، حسینیه‌ها و ... حمل می‌کنند و آن را در میان خیل عظیم جمعیت سیاه پوش، از مسیری می‌گذرانند. این اتاقک پوشش سیاهی دارد (سعادت‌مند، ۱۴۰۱).

۷. Farwahar روح نامیرای بشر و فرشته نگهبان او در طول زندگی است. فروریدگان جشن فرودها (=فروهرها) بود که در پنج روز آخر اسپندارمزد برگزار می‌شد، اما فروردین (farwardin) نام اولین ماه سال است که ظاهراً از اسم همین جشن گرفته شده است (شمیسا، ۱۴۰۰).

۸. انجامه: متنی است در پایان نسخه‌های خطی که اطلاعاتی درباره شخص سفارش دهنده، تاریخ کتابت و هنرمندان آن نسخه را در خود جای می‌دهد.

فهرست منابع فارسی

احمدی‌توانا، اکرم (۱۳۹۷)، سیاوش در شاهنامه‌های شاهزادگان تیموری: مقایسه تطبیقی، نشریه دانش هنرهای تجسمی، دوره ۵ بهار و تابستان ۱۳۹۷ شماره ۱.

بازگیر، نسرین (۱۳۹۸)، تراژدی سیاوش، مجله: رشد آموزش زبان و ادب فارسی، بهار ۱۳۹۸، شماره ۱۲۶، ص ۸۰-۸۴.

بهار، مهرداد (۱۳۷۴)، جستاری چند در فرهنگ ایران، تهران: فکروز.

بهار، مهرداد (۱۳۷۶)، پژوهشی در اساطیر ایران، تهران: نشر آگاه، چاپ دوم.

بهار، مهرداد (۱۳۸۱)، از اسطوره تا تاریخ، چاپ ۳، تهران، نشر چشمه. پاکباز، رویین (۱۳۸۳)، نقاشی ایران از دیرباز تا امروز، تهران: انتشارات زرین و سیمین.

حبیبی، عبدالحی (۱۳۵۵)، هنر عهد تیموریان و متفرعات آن. تهران: بنیاد فرهنگ.

حسینی، مهدی (۱۳۸۸)، شاهنامه محمد جوکی، نامه هنرهای تجسمی و کاربرد، ص ۳۵-۴۹.

حصوری، علی (۱۳۷۸)، سیاوشان، تهران، نشر: چشمه.